

مجموعه

هنر در تمدن اسلامی

هنرهای صناعی

زیر نظر

دکتر عبدالکریم عطارزاده

دکتر مهراڻ هوشيار

تهران

۱۳۹۶



سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یازده	در بارهٔ این مجموعه
سیزده	مقدمه
۱	فصل اول: تعریف هنرهای صناعی عبدالکریم عطارزاده
۱	۱-۱ تاریخچهٔ هنرهای صناعی در جهان اسلام
۳	۱-۲ عنوان «صنایع دستی» و عبارات جایگزین و هم‌ردیف آن
۴	۱-۳ عصر انقلاب صنعتی در غرب
۵	۱-۴ هنرهای صناعی بعد از دورهٔ تحول صنعت
۶	۱-۵ نگاه متفاوت به تعریف هنر هم‌زمان با تحولات صنعتی
۷	۱-۶ توجه مجدد به هنرهای صناعی در عصر جدید
۹	۱-۷ تلاش برای حفظ هنرهای صناعی در جهان اسلام
۱۰	۱-۸ هنرهای صناعی در ایران در رویارویی با غرب
۱۲	۱-۹ هنرهای صناعی در جهان امروز
۱۴	۱-۱۰ طبقه‌بندی هنرهای صناعی
۱۵	۱-۱۱ اساس طبقه‌بندی هنرهای صناعی در کتاب حاضر
۱۷	پی‌نوشت‌ها
۱۸	منابع
۲۰	فصل دوم: فلزکاری محمد صحرانورد و ایوان سانتو
۲۰	۲-۱ فلزکاری و انواع هنرهای مرتبط با آن
۲۰	۲-۱-۱ کارگاه‌های فلزکاری
۲۱	۲-۱-۲ فلزات و آلیاژها
۲۴	۲-۱-۳ چرخهٔ تولید اشیاء فلزی
۲۵	۲-۱-۴ فناوری در فلزکاری اسلامی
۳۳	۲-۲ تاریخچهٔ فلزکاری در جهان اسلام
۳۳	۲-۲-۱ پیش از اسلام
۳۵	۲-۲-۲ سده‌های نخستین اسلامی، امویان و عباسیان
۳۹	۲-۲-۳ ایران دورهٔ اسلامی
۴۰	۲-۲-۴ غرب آسیا (عراق، عربستان، یمن، شام و غیره)
۴۲	۲-۲-۵ ترکیه و آسیای میانه

صفحه	عنوان
۴۳	۲-۲-۶ جنوب و جنوب شرق آسیا
۴۵	۲-۲-۷ شمال افریقا
۴۶	پی‌نوشت‌ها
۴۸	منابع
۵۰	فصل سوم: هنرهای صناعی چوبی مینا‌طایی
۵۰	۳-۱ انواع هنرهای صناعی چوبی
۵۰	۳-۱-۱ کنده‌کاری
۵۱	۳-۱-۲ منبت
۵۲	۳-۱-۳ معرق
۵۵	۳-۱-۴ نقاشی روی چوب
۵۵	۳-۱-۵ خراطی
۵۹	۳-۱-۶ سازسازی
۶۱	۳-۱-۷ مشبک‌کاری
۶۳	۳-۱-۸ گره‌چینی
۶۴	۳-۱-۹ ارسی‌سازی و قواره‌بری
۶۵	۳-۱-۱۰ خاتم
۶۸	۳-۱-۱۱ نازک‌کاری
۶۹	۳-۲ تاریخچه هنرهای صناعی چوبی در جهان اسلام
۶۹	۳-۲-۱ پیش از اسلام
۷۰	۳-۲-۲ سده‌های نخستین اسلامی، امویان و عباسیان
۷۲	۳-۲-۳ ایران دوره اسلامی
۷۷	۳-۲-۴ غرب آسیا (افغانستان، ترکیه، سوریه، عراق و غیره)
۸۳	۳-۲-۵ آسیای میانه
۸۴	۳-۲-۶ جنوب و جنوب شرق آسیا
۸۸	۳-۲-۷ شمال افریقا
۹۲	پی‌نوشت‌ها
۹۷	منابع
۱۰۰	فصل چهارم: سرامیک مهران هوشیار و رجحانه حسینی
۱۰۰	۴-۱ هنر سرامیک و فناوری‌های آن در دوران اسلامی
۱۰۱	۴-۱-۱ خاک رس
۱۰۱	۴-۱-۲ روش‌های ساخت در سرامیک
۱۰۳	۴-۱-۳ روش تزئین بدنه‌های سرامیک
۱۰۳	۴-۱-۴ کوره
۱۰۵	۴-۱-۵ لعاب
۱۰۶	۴-۱-۶ فناوری‌های فرآورده‌های رنگی با ظاهری سفید
۱۰۸	۴-۱-۷ روش‌های تزئین با لعاب

۱۱۴	۴-۲ تاریخچه سفال
۱۱۵	۴-۲-۱ پیش از اسلام
۱۱۸	۴-۲-۲ سده‌های نخستین اسلامی
۱۱۹	۴-۲-۳ ایران دوره اسلامی
۱۲۴	۴-۲-۴ غرب آسیا (سوریه و عراق)
۱۲۵	۴-۲-۵ ترکیه و آسیای میانه
۱۲۶	۴-۲-۶ جنوب و جنوب شرق آسیا
۱۲۷	۴-۲-۷ شمال افریقا
۱۳۰	پی‌نوشت‌ها
۱۳۲	منابع
۱۳۳	فصل پنجم: نساجی سنتی (دست‌بافی) فاطمه رمضان‌زاده
۱۳۳	۵-۱ مواد، ابزار، دستگاه‌ها و روش‌های بافت
۱۳۳	۵-۱-۱ روش و دستگاه بافت
۱۳۴	۵-۱-۲ الیاف
۱۳۵	۵-۱-۳ رنگ و رنگرزی
۱۳۶	۵-۱-۴ انواع منسوجات و بافته‌ها
۱۴۱	۵-۲ تاریخچه نساجی در جهان اسلام
۱۴۱	۵-۲-۱ پیش از اسلام
۱۴۲	۵-۲-۲ سده‌های نخستین اسلامی، امویان و عباسیان
۱۴۴	۵-۲-۳ ایران دوره اسلامی
۱۴۷	۵-۲-۴ غرب آسیا (سوریه و عراق)
۱۴۸	۵-۲-۵ ترکیه و آسیای میانه
۱۴۹	۵-۲-۶ جنوب و جنوب شرق آسیا
۱۵۰	۵-۲-۷ شمال افریقا
۱۵۵	پی‌نوشت‌ها
۱۵۷	منابع
۱۵۸	فصل ششم: بافته‌های داری محسن شهرستانی
۱۵۸	۶-۱ مواد، ابزار، دستگاه‌ها و روش‌های بافت
۱۵۸	۶-۱-۱ مفهوم دار و انواع آن
۱۵۹	۶-۱-۲ اجزاء اصلی دار
۱۶۰	۶-۱-۳ مواد اولیه
۱۶۰	۶-۱-۴ ابزار و وسایل بافته‌های داری
۱۶۲	۶-۱-۵ اصطلاحات رایج در بافته‌های داری
۱۶۳	۶-۱-۶ رنگ و رنگرزی

۱۶۴	۶-۱-۷ طراحی و نقوش انواع بافته‌های داری
۱۶۴	۶-۱-۸ مراحل بافت
۱۶۶	۶-۱-۹ انواع فرش
۱۷۲	۶-۲ تاریخچه بافت فرش در جهان اسلام
۱۷۲	۶-۲-۱ پیش از اسلام
۱۷۳	۶-۲-۲ سده‌های نخستین اسلامی، امویان و عباسیان
۱۷۴	۶-۲-۳ ایران دوره اسلامی
۱۷۸	۶-۲-۴ غرب آسیا (عراق، سوریه، افغانستان و غیره)
۱۷۸	۶-۲-۵ ترکیه و آسیای میانه
۱۸۰	۶-۲-۶ جنوب و جنوب شرق آسیا
۱۸۲	۶-۲-۷ شمال افریقا
۱۸۲	پی‌نوشت‌ها
۱۸۳	منابع
۱۸۵	فصل هفتم: شیشه‌گری فاطمه افتخاری راد و فرزانه خانلرخانی
۱۸۵	۷-۱ انواع تزینات، فناوری و شیوه‌های هنری برای زیباسازی شیشه
۱۸۵	۷-۱-۱ شیشه چیست؟
۱۸۵	۷-۱-۲ انواع شیشه
۱۸۶	۷-۱-۳ ساختار شیشه
۱۸۷	۷-۱-۴ تزینات شیشه
۱۹۹	۷-۲ تاریخچه شیشه
۱۹۹	۷-۲-۱ پیش از اسلام
۲۰۲	۷-۲-۲ سده‌های نخستین اسلامی، امویان و عباسیان
۲۰۳	۷-۲-۳ ایران دوره اسلامی
۲۰۷	۷-۲-۴ غرب آسیا (عراق، سوریه و عربستان)
۲۰۹	۷-۲-۵ ترکیه و آسیای میانه
۲۱۰	۷-۲-۶ جنوب و جنوب شرق آسیا
۲۱۰	۷-۲-۷ شمال افریقا
۲۱۲	پی‌نوشت‌ها
۲۱۳	منابع
۲۱۵	فصل هشتم: صحافی و جلدسازی حمید ملکیان و عبدالکریم عطارزاده
۲۱۵	۸-۱ جلدسازی (صحافی) و انواع آن
۲۱۵	۸-۱-۱ جزوبندی «ته‌دوزی» و شیرازه‌دوزی کتاب
۲۱۶	۸-۱-۲ اندازه و قطع کاغذ در کتب
۲۱۷	۸-۱-۳ عناصر تشکیل‌دهنده جلد

صفحه	عنوان
۲۱۸	۸-۱-۴ انواع روکش در تجلید
۲۱۹	۸-۱-۵ ابزارهای مورد استفاده در صحافی
۲۲۰	۸-۱-۶ انتقال نقش به جلد چرمی
۲۲۰	۸-۱-۷ انواع جلد
۲۲۳	۸-۲ تاریخچه جلدسازی (صحافی)
۲۲۳	۸-۲-۱ پیش از اسلام
۲۲۴	۸-۲-۲ سده‌های نخستین اسلامی، امویان و عباسیان
۲۲۵	۸-۲-۳ ایران دوره اسلامی
۲۳۰	۸-۲-۴ غرب آسیا (عراق و سوریه)
۲۳۱	۸-۲-۵ ترکیه و آسیای میانه
۲۳۲	۸-۲-۶ جنوب و جنوب شرق آسیا
۲۳۴	۸-۲-۷ شمال آفریقا
۲۳۵	پی‌نوشت‌ها
۲۳۷	منابع
۲۳۹	فصل نهم: سایر هنرهای صناعی عبدالکریم عطارزاده
۲۳۹	۹-۱ زیورآلات و جواهرآلات
۲۴۰	۹-۱-۱ سده‌های اول تا پنجم هجری
۲۴۱	۹-۱-۲ سده‌های ششم و هفتم هجری
۲۴۲	۹-۱-۳ سده‌های هشتم تا یازدهم هجری
۲۴۲	۹-۱-۴ سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری
۲۴۳	۹-۲ هنرهای صناعی چرمی
۲۴۶	۹-۳ هنرهای صناعی سنگی
۲۵۰	۹-۴ هنرهای صناعی عاجی و استخوانی
۲۵۲	۹-۵ هنرهای صناعی دریایی
۲۵۲	۹-۶ عروسک‌سازی
۲۵۳	پی‌نوشت‌ها
۲۵۳	منابع
۲۵۵	تصاویر رنگی
۳۱۱	فرهنگ واژگان و اصطلاحات عبدالکریم عطارزاده

درباره این مجموعه

هنر در تمدن اسلامی عنوان مجموعه‌ای است که پدیدآورندگان آن کوشیده‌اند مباحث آن را با نگاهی تاریخی به اوضاع و شرایط هر یک از هنرها در جهان اسلام شکل دهند، به گونه‌ای که نقاط عطف تاریخی هر هنر و نسبت آن با فراز و فرودهای تمدن اسلامی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان تاریخ تمدن ملت‌های مسلمان آشکار و امکان پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی برای آیندگان فراهم شود؛ با یادآوری این نکته که حتی اصطلاحی چون «جهان اسلام» شأنی تاریخی دارد و تعیین حد و مرزهای دوره‌ای و جغرافیایی برای هر یک از هنرها با چالش‌های نظری گسترده‌ای مواجه است. آنچه در گذشته «دارالاسلام» تلقی می‌شد با آنچه ما امروزه «جهان اسلام» می‌نامیم به طور کامل تطبیق نمی‌کند.

تلاش‌های چندین ساله‌ای که در دو گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی و هنر سازمان «سمت» برای تهیه و تدوین این مجموعه صرف شد، خود میدانی پژوهشی بود تا دریابیم آیا مسلمانان در گذشته و امروز، میل به نگرش تاریخی به معنای معاصر داشته‌اند یا خیر. در مورد هنرهای رایج در جوامع اسلامی کمتر با مطالعه‌ای برخورد می‌کنیم که منظری تاریخی و کل‌نگر از این یا آن هنر ارائه داده باشد. نیز دریافتیم که تعیین حد و مرز میان هنرها بیشتر از طریق مطالعات دانشگاهی و شاید به دلیل نیاز به تعیین حد و حدود برای این یا آن رشته پدید آمده و این امری است که هنوز هم در پژوهش‌هایی که مثلاً به هنرهای صناعی می‌پردازند، محل اختلاف است. باری، پس از جلسات متعدد و بحث‌های فراوان به این نتیجه رسیدیم برای هر یک از عناوینی که در پی خواهد آمد به کتابی که نیازها و مقاصد ما را پوشش دهد احتیاج داریم و از این رو به سفارش تدوین آنها به شرح ذیل پرداختیم: «مبانی نظری»، «هنرهای صناعی»، «معماری» و «شهرسازی»، «خوشنویسی»، «نقش‌مایه‌ها»، «موسیقی» و «هنرهای اجرایی» در ضمن اعتقاد داریم هنوز هم در بحث بر سر این تقسیم‌بندی، نحوه مرزگذاری و جایگاه برخی هنرها از این نظر که ذیل کدام عنوان بیایند به نقطه پایان نرسیده‌ایم. اما نیک می‌دانیم که مسائل فراوان نباید ما را از رفتن باز دارد. پس همین که به رضایت و اجماعی نسبی دست یافتیم، وارد عمل شدیم.

انتخاب محقق برای زیر نظر گرفتن هر موضوع و نیز انتخاب قالب هر جلد و عنوان بحث‌های زیادی برانگیخت. متأسفانه فضای آشفته‌ای که در حال حاضر کشورهای مسلمان را جدا و بیگانه از هم نگاه داشته است، این امکان را از ما دریغ کرد که بی‌واسطه با پژوهشگران و استادان مسلمانی مرتبط شویم که در محدوده زبان و کشور خودشان اهداف ما را دنبال می‌کنند. باید امیدوار بود که در آینده پیوندهای دانشگاهی و فرهنگی کشورهای مسلمان محکم‌تر و عمیق‌تر شود و از این رهگذر مطالعاتی که اکنون گام‌های نخست خود را طی می‌کند، به زودی بارور شود. ابتدا قصد داشتیم تمام مجلدات را در قالب «مقالات گزیده»¹ درآوریم. این منظور زمانی به خوبی محقق می‌شد که گردآورنده از میان انبوه مطالعات انجام شده بتواند بهترین نمونه‌ها را انتخاب کند. اما «وضع موجود» نشان نمی‌داد که در برخی از این عناوین چنین مطالعاتی، آن‌هم انبوه، موجود باشد. در نتیجه قالب هر عنوان بسته به وضع موجود باز تعریف شد و بنا بر این گذاشته شد که عنوان‌ها را از این نظر با هم مقایسه نکنیم و اجازه دهیم که هر عنوان شکل خاص خود را داشته باشد. بدیهی است که اولویت درجه اول ما تألیف بود، اما زمانی که امکان تألیف در آن موضوع وجود نداشت، ترجمه دقیق را اولویت دادیم. مهم آن بود که کوشیدیم شایسته‌ترین و منعطف‌ترین محققان را

1. reader

برای تدوین محتوا، اعم از تألیف یا ترجمه، انتخاب کنیم؛ محققانی که هم تاریخ بدانند و هم هنر و هم از اعتبار دانشگاهی برخوردار باشند. تلاش کردیم، چنان که اقتضای هر پژوهش است، نخست به توصیف دقیق و معتبر از وضع موجود دست یابیم. این «وضع موجود» دو جنبه داشت، یکی توان و بضاعت دانشگاهی هر یک از عناوین برای شکل دادن به این چشم‌انداز تاریخی، و دیگری وضع واقعی این یا آن عنوان در طول تاریخ. در رشته‌های مختلف هنری، این هر دو جنبه تصویر متفاوتی داشت و طبعاً نتایجی متفاوت به بار می‌آورد. واقع‌بینی اقتضا می‌کرد که توان و بضاعت رشته‌ها را با هم مقایسه نکنیم بلکه کوشیدیم که هر یک از آن‌ها با بهترین اعتبار خود به میدان بیاید. اما برای هماهنگی کلی و برای آنکه موضوع بحث، حوزه‌های مشترک و رویکردهای کلی هماهنگ باشد ویرایشی سخت و سنگین را بر همه متون اعمال کردیم. امیدواریم با این ویرایش، مجموعه‌ای هماهنگ و در عین حال متنوع در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم، مجموعه‌ای که دانش، حیطه‌ها، قله‌های تاریخی، چشم‌انداز کلی و موضوع بحث را به عنوان نیازهای پایه برای هر مطالعه و پژوهش دیگری هموار سازد.

گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی
گروه هنر

مقدمه

مطالعه و پژوهش درباره هنرهای سنتی و فرهنگ‌های بومی در تمدن‌های گوناگون و تمامی ادوار تاریخی، نشانه‌ای از توجه اندیشمندان به حفظ هویت ملی و تأثیر مثبت آن بر عوامل اجتماعی با هدف کارآفرینی و همچنین ارتقای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع، به خصوص در کشورهایی با قدمت و پشتوانه تاریخی چند هزار ساله، است. در این میان، هنرهای صناعی را می‌توان ریشه مشترکی دانست که در تمامی این فرهنگ‌ها و تمدن‌های باستانی گسترانیده شده و تجربیات این ارتباط تا به امروز آرمان‌های بشری را با رویکردی فرازمینی در جهان معاصر به یکدیگر وصل کرده است.

ارتباط فرهنگی جهان‌شمول و اشتراکات معنایی مستتر در هنرهای سنتی کشورها، سازمان‌های دولتی، نهادهای مردمی و جوامع جهانی از جمله یونسکو^۱ را واداشته است تا در جهت حفظ میراث فرهنگی بشر به جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات موجود در زمینه صنایع دستی بومی مناطق مختلف جهان پردازد. تهیه اسناد معتبر، تصاویر حقیقی و مستندسازی از شرایط و نحوه تولید محصولات بومی و سنت‌های منطقه‌ای در اقوام و ملل مختلف با هدف حفظ، ترویج و انتقال این ارزش به نسل‌های آتی بشری از دیگر اقدامات این نهاد بین‌المللی است. در کنار یونسکو، سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای مختلف نیز این روند را در پیش گرفته و با اهدافی مشابه به احیا و ترویج هنرهای در حال فراموشی و صنایع دستی منسوخ شده مبادرت ورزیده‌اند. شورای جهانی صنایع دستی^۲ و مرکز بین‌المللی ترویج صنایع دستی^۳ از جمله شناخته‌شده‌ترین و معتبرترین سازمان‌هایی هستند که زیر نظر یونسکو در زمینه معرفی، رشد و ارتقای کیفی محصولات صنایع دستی و حمایت معنوی از تولیدکنندگان محصولات فرهنگی و هنرهای بومی و ملی در تمامی دنیا می‌کوشند.

کشور ایران که با پیشینه چندین هزار ساله خود یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های تمدن بشری را شکل می‌دهد، از سال ۱۳۴۷ش به عنوان یکی از قطب‌های صنایع دستی جهان و بزرگ‌ترین تمدن خاورمیانه از نظر فرهنگی و هنرهای سنتی به عضویت شورای جهانی صنایع دستی درآمده است و در راستای اهداف عالی این شورا یعنی حفظ، تقویت و ترویج صنایع دستی به عنوان رکن اصلی در حیات فرهنگی نسل‌ها و همچنین افزایش سطح آگاهی و اطلاعات تخصصی و به‌روز حرفه‌ای هنرمندان و تولیدکنندگان محصولات فرهنگی تلاش می‌کند. از سوی دیگر، شناسایی حدود ۱۶ رشته اصلی در زمینه هنرهای صناعی در ایران و بیش از ۲۸۵ نوع از محصولات تولیدی^۴ نشان می‌دهد بالغ بر دو میلیون هنرمند و صنعتگر به صورت مستقیم مشغول به فعالیت در این عرصه‌اند.

ایران در میان کشورهای مطرح دنیا همچون چین و هند به لحاظ گستردگی زیرشاخه‌ها و تنوع صنایع دستی رتبه اول را دارد و این نکته به تنهایی بیانگر گستردگی و ریشه‌دار بودن آن و در نتیجه، ضرورت پرداختن به پژوهش‌های علمی و هدفمند در جهت معرفی و ساماندهی این هنر - صنعت در ایران و جهان اسلام خواهد بود. از آنجا که تحقق این هدف به ایجاد زمینه

1. UNESCO

2. World Crafts Council

3. International Centre for the Promotion of Crafts

۴. گفتنی است که به رغم پیگیری‌ها و مطالعات میدانی مراکزی چند، به دلیل سیال بودن و انعطاف‌پذیری در هنرهای صناعی ایران، آمارهای ارائه شده دقیق و قطعی نیست؛ به خصوص در زمینه تنوع محصولات و زیرشاخه‌های مربوط اختلاف نظر زیادی به چشم می‌خورد.

پایداری فرهنگ‌های منطقه‌ای و هنرهای سنتی می‌انجامد و در عین حال، گسترش اطلاعات و ارتباطات فرامرزی، بستر دیگری را در زمینه ایجاد همبستگی میان صنعتگران و هنرمندان در تمامی جهان فراهم می‌کند، فعالیت‌های متعدد و البته پراکنده‌ای در طی سالیان گذشته به این منظور اختصاص یافته است و پژوهشگران و اندیشمندان علاقه‌مند به این حوزه به صورت مستقل و یا در قالب طرح‌های پژوهشی، زیر نظر سازمان‌های دولتی یا خصوصی، از جمله سازمان صنایع دستی، دانشگاه‌ها و حتی سازمان‌های بین‌المللی مرتبط به مطالعه، پژوهش و چاپ یافته‌های علمی خود اقدام کرده‌اند. ضمن تأیید و تقدیر از زحمات تمامی این فعالان و محققان فرهنگی - هنری باید اذعان کرد که عملکرد مستقل و پراکنده تمامی این سال‌ها اگرچه دستاوردهای مهم و تأمل‌برانگیزی را برای پیشبرد مقاصد پژوهشگران امروز ایجاد کرده است، اما به دلیل عدم هماهنگی و نظارت سازمانی واحد با مسئولیت تعریف شده، هماهنگی با نیازهای روز و تغییرات دنیای معاصر، ضرورت پژوهشی مجدد و این بار روشمند و متناسب با اهداف ذکر شده را برای تیم تحقیقاتی حاضر در قالب طرحی علمی - پژوهشی زیر نظر سازمان «سمت» توجیه‌پذیر می‌نمود.

پژوهش علمی پیش رو با عنوان *هنرهای صناعی بخشی از طرح پژوهشی «هنر در تمدن اسلامی»* است که تیم پژوهشی مشتمل از مدرسان، محققان، هنرمندان پیش‌کسوت و اعضای هیئت علمی گروه هنر اسلامی دانشگاه سوره با نظارت علمی و ادبی سازمان «سمت» به انجام رسانده‌اند و ضمن بهره‌گیری از تمامی فعالیت‌های مشابه و مدون پیش از این، در زمینه معرفی و تاریخ صنایع دستی ایران و دیگر کشورهای اسلامی با رویکردی متمایز این متن را تألیف کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های ارزشمند و متفاوت این پژوهش عبارت است از:

- دسته‌بندی صنایع دستی جهان اسلام بر اساس آخرین توافقات بین‌المللی شورای جهانی،

- توجه به جنبه‌های آموزشی و مطالعات علمی و آکادمیک در معرفی صنایع دستی،

- استفاده از آخرین و جدیدترین روش‌های پژوهش در علوم انسانی (A.P.A)،

- رویکرد تطبیقی در بررسی و معرفی صنایع دستی کشورهای جهان اسلام با محوریت ایران،

- معرفی هنرهای صناعی روز بر اساس آخرین یافته‌های پژوهشی و گزارش‌های واصله،

- بیان مختصری از تاریخچه هر یک از هنرها پیش از آغاز اسلام در تمدن‌های یادشده،

- معرفی فهرست واژگان و اصطلاحات تخصصی هنرهای صناعی،

- بهره‌گیری و استفاده از تجربیات هنرمندانی که در دوره معاصر به صورت عملی در کارگاه‌های خود به تولید آثار

می‌پردازند، ضمن آنکه با توجه به داشتن تحصیلات عالی دانشگاهی، مشغول انجام پژوهش‌های نظری در حوزه فعالیت‌های هنری خود نیز هستند.

نتایج یافته‌های علمی این پژوهش در قالب ۹ فصل و حدود ۳۳ بخش با معرفی صنایع دستی بیش از ۱۷ کشور در حوزه تمدن اسلامی از جمله کشورهای غرب آسیا (سوریه، عراق، یمن، عربستان و غیره)، ترکیه و آسیای میانه، کشورهای مسلمان جنوب و جنوب شرق آسیا و شمال آفریقا، که بیشترین فعالیت شناخته شده را در زمینه هنرهای صناعی داشته و دارند، ارائه شده است. تیم تحقیقاتی و نویسندگان این کتاب در مقایسه با پژوهش‌های مشابه، با توجه به روند نظارتی و داوری‌های علمی و ویراستاری ادبی انجام شده و همچنین ویژگی‌های ارزشمند ذکر شده، امیدوارند کتاب حاضر به خصوص برای نسل جوان، دانشجویان و هنرجویان رشته‌های مرتبط هنری کارشناسی و کارشناسی ارشد، پژوهشگران و دانشگاهیان سودمند واقع شود و گامی مؤثر در راستای حفظ هویت ملی و معرفی دقیق و علمی صنایع دستی روز و هنرهای سنتی و بومی تمدن اسلامی باشد.

کتاب حاضر یک جلد از مجموعه چندجلدی *هنر در تمدن اسلامی* است و بخش‌های مربوط به معماری، شهرسازی، خوشنویسی، نقش‌مایه‌ها و موسیقی در جلد‌های دیگر آمده است.

چهارده

برای نگارش فصل‌های مختلف این جلد از آغاز، ضوابط و شرایطی در نظر گرفته شد که دانستن آنها خالی از لطف نیست. نخست اینکه در این کتاب مهم‌ترین رشته‌های صنایع دستی که جنبه ملی، بین‌المللی و یا اسلامی دارند، مورد توجه قرار گرفت و از این‌رو به بسیاری از مشاغل و محصولات صنایع دستی که گستردگی منطقه‌ای و تاریخی نداشتند پرداخته نشد. به عبارت دیگر، به آن دسته از هنرهای صنعتی که صرفاً به یک کشور تعلق داشت و جنبه جهان‌اسلامی نداشت کمتر پرداخته شد. البته این هنرها در بخش پایانی کتاب به اجمال معرفی شده‌اند. نیز برای پرهیز از گستردگی مطالب برخی رشته‌ها در حد معرفی به عنوان محصول یا شغلی فرعی در مجموعه رشته‌ای اصلی قرار گرفته است، مانند پای‌پوش‌های سنتی.

کتاب در ۹ فصل سامان یافته است و برای رعایت هماهنگی و انسجام مطالب و با این هدف که خواننده محترم خط سیر مطالعاتی مشخصی را دنبال کند، در ابتدای هر فصل به تعاریف، مهارت‌های ساخت، ابزار و مواد اولیه و تزئینات پرداخته‌ایم و پس از آن، سابقه تاریخی به ترتیب از پیش از تاریخ تا دوره متأخر آمده است.

فصل اول اهمیت خاصی دارد. در این فصل ابتدا تعاریف اولیه شامل معرفی هنرهای صنعتی و سیر تاریخی در ایران و جهان اسلام، تقسیمات سازمانی این هنر و طبقه‌بندی هنرهای صنعتی متناسب با آخرین دستاوردهای شورای جهانی و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران برای مخاطبان ارائه شده است. در این فصل، همچنین به موضوع نگرش امروز جهان به هنرهای صنعتی و همچنین ضرورت توجه به هنرهای صنعتی در عصر جدید در کشورهای در حال توسعه جهان اسلام، به خصوص در رویارویی با غرب، پرداخته شده است. اساس طبقه‌بندی هنرهای صنعتی متناسب با منطق نویسندگان این مجموعه آمده است. می‌توان گفت نویسنده فصل اول، رویکردی تاریخی را با در نظر گرفتن مبانی نظری طرح دنبال کرده و کوشیده است با پیگیری تحولات صنعتی در غرب و نتایج حاصل از آن، وضعیت هنرهای صنعتی را در شرق و غرب به تصویر بکشد. به عبارت دیگر عصاره تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و هنری غرب در این فصل آمده و مؤلف کوشیده است ضمن روایت سیر تاریخی هنرهای صنعتی از گذشته به دوره جدید، آنچه را در بستر زمان بر سر هنرهای سنتی غرب آمده بازگو کند و تغییرات و تحولات به وجود آمده در غرب را که چون مهمانی ناخواسته پا به سرزمین‌های دیگر از جمله ایران نهاد، برشمارد و واکنش‌های دولتمردان، مردم، هنرمندان و صنعتگران ایرانی را نشان دهد. در این فصل همچنین ضمن معرفی انواع هنرهای صنعتی ایران، به ویژه در گذر از دوره‌های قبل و بعد از انقلاب صنعتی غرب، به تطبیق و تحلیل آنها پرداخته و بیان شده است که در این رهگذر، بسیاری از هنرهای سنتی میدان را به سود محصولات غربی خالی کردند. از میان انبوه هنرهای صنعتی ایران برخی به فراموشی سپرده شدند، بعضی به حیات خود ادامه دادند و بعضی رنگ نوگرایی به خود گرفتند.

فصل دوم تا نهم کتاب به بیان مباحث و تقسیمات اصلی و رشته‌های هنرهای صنعتی اختصاص یافته است. در فصل دوم ضمن معرفی هنرها و صنایع فلزی به فناوری و چرخه تولید اشیاء فلزی پرداخته شده است؛ به جز اندک اشیاء فلزی که امروزه به جای مانده و در موزه‌ها یا مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شوند، بسیاری از اشیاء فلزی بعد از آنکه غیر قابل استفاده می‌شدند با قیمتی پایین فروخته و دوباره در کارگاه‌های ذوب به مواد اولیه کارگاه‌های فلزکاری تبدیل می‌شدند. در کارگاه‌های ذوب، فلزات و آلیاژها ذوب و ناخالصی آنها گرفته می‌شد و برای کاربری در کارگاه‌های ساخت (کارگاه فناوری‌های اولیه) آماده می‌گردیدند. در کارگاه‌های ساخت، اشیاء فلزی مورد نظر ساخته و در صورت نیاز برای اجرای تزئیناتی از قبیل قلم‌زنی، برجسته‌کاری، مشبک‌کاری و انواع شیوه‌های رنگ‌آمیزی مانند میناکاری و مرصع‌کاری به کارگاه تزئین (کارگاه فناوری‌های ثانویه) فرستاده می‌شدند. پس از آن دوباره اشیاء فلزی در بازار به فروش می‌رفتند و آثاری که پس از چند سال استفاده به علت پوسیدگی، شکستگی و نظایر آن قابل استفاده نبودند فروخته می‌شدند و دوباره به کارگاه‌های ذوب باز می‌گشتند و به این ترتیب مجدداً وارد چرخه تولید می‌شدند. در ادامه این مباحث پس از ارائه جداول توصیفی و تطبیقی مناسب مربوط به تقسیمات و تنوع فلزات به ویژگی‌های هنری و ساختاری این رشته

از هنرهای صناعی در اسلام نیز پرداخته شده است و پس از آشنایی خوانندگان با ویژگی‌های فنی و ترکیبات فلزی آثار مربوط همچون ریخته‌گری، دواتگری، آهنگری، قلم‌زنی، جُنده کاری، ملیله‌سازی، مرصع کاری، مینا کاری و کوفته‌گری، در نهایت تاریخچه فلز کاری در جهان اسلام برای خواننده بیان و داستان آن تشریح شده است.

در فصل سوم، هنرها و صنایع دستی چوبی محور بحث بوده و نویسنده این بخش پس از معرفی انواع هنرهای صناعی چوبی از جمله کنده کاری، منبت، معرق، خراطی، سازسازی، نازک کاری و هنرهایی دیگر در این حوزه همچون، خاتم، مشبک کاری و گره‌چینی به توصیف و معرفی آنها از نظر تنوع ابزار و ساختارهای تکنیکی پرداخته است. در این فصل همچنین به تاریخچه هنرهای صناعی چوبی از پیش از اسلام تا به امروز در کشورهای اسلامی اصلی پرداخته شده است.

فصل چهارم کتاب به سرامیک و تاریخ آن در جهان اسلام اختصاص یافته و هنر سرامیک و فناوری‌های آن در دوران اسلامی اولین بخش از این فصل را شامل می‌شود. در بخش دوم این فصل، تاریخچه سفال و سرامیک از پیش از اسلام و سده‌های نخستین تا دوران معاصر در ایران و کشورهای اسلامی فعال در حوزه هنرهای سرامیکی تألیف شده است. در انتهای این فصل نویسنده به این نکته اشاره کرده‌اند که هنر - صنعت سفالگری ایران با شروع قرن حاضر به علت ازدیاد محصولات سفالین اروپایی و واردات بی‌رویه تولیدات خاور دور و رواج آن در بازارهای جهانی به دست فراموشی سپرده شده و از سوی مسئولان داخلی نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. نباید فراموش کنیم که ایران در تمامی ادوار تاریخی با سهم بسزایی که در بنیان‌گذاری فرهنگ و تمدن جهانی داشته طی قرون متمادی سنت‌های هنری را ادامه داده و همواره در خلق آثار هنری از جمله سفالگری پیشگام و در پیشبرد فرهنگ و تمدن بشری تأثیرگذار بوده است. این در حالی است که هنر ایران تقریباً در تمامی عرصه‌های متنوع خود در اثر وقایع ناگوار سیاسی، اقتصادی و از همه مهم‌تر بی‌توجهی به آفت فرهنگ مصرف‌گرایی رو به انحطاط رفته است. ناگفته نماند که این بلای فرهنگی از اواخر قرن هجدهم میلادی و با آغاز انقلاب صنعتی در جهان گریبان ایران و ایرانیان را گرفت و هنر ایران را در پس تجمل‌گرایی و توجه به مادیات به عقب راند، به این ترتیب بود که نو میدی و بی‌قیدی جای عشق، ایمان و تلاش را گرفت و تنها معیار خلق آثار هنری تقلید و سودای بازار بوده است.

در فصل پنجم به هنرهای مربوط به دست‌بافته‌ها و نساجی و تاریخچه نساجی پیش و پس از اسلام پرداخته شده است. به منظور ارزش و اهمیت هنر فرش و توجه ویژه به بافته‌های داری، که در تمامی دنیا و جهان اسلام اهمیت خاصی دارد، فصل ششم به طور مستقل به این هنر ارزشمند اختصاص یافته است. در این فصل پس از معرفی مواد اولیه و توصیف روش‌های اصلی در بافت‌های داری، طراحی و نقوش در انواع بافته‌ها، انواع فرش از جمله گلیم، قالی و گبه معرفی شده و به ابزار بافت، اصول متنوع و سبک‌های مطرح و همچنین موضوع طراحی و نقشه فرش به صورت علمی توجه شده است.

در این فصل به موضوع فرش‌های مطرح در ایران از نظر طرح و نقش که شهرت جهانی یافته‌اند اشاره و به مواردی از جمله فرش‌های عموخان عمواغلی مشهد، هریس، شاهسون و تبریز، جوشقان، ساروق، فراهان، گبه‌ها، گلیم و جاجیم فارس، بیجار و سنه سندیج و غیره اشاره شده و به فعالیت‌های مربوط به بافت و نمونه‌های شاخص کشورهای چون افغانستان، قفقاز، پاکستان و حتی مصر، هندوستان و اتیوپی پرداخته شده است.

هنر شیشه‌گری موضوع فصل هفتم کتاب است. در این فصل ابتدا انواع تزیینات و تکنیک‌های هنری برای زیباسازی شیشه، شامل تعریف شیشه، انواع آن، ساختار شیمیایی، تزیینات و تکنیک‌هایی چون، تراش شیشه، نقاشی رو و پشت شیشه، شیشه زرین‌فام، زراندود، بارفتن، همجوشی، دمیدن در قالب، آبگر کردن و غیره بیان شده است.

فصل هشتم به هنر صحافی و جلدسازی در ایران و دیگر نقاط جهان اسلام اختصاص یافته است. جلدسازی که ارتباط نزدیکی با نسخ ارزشمند و تاریخ ادبیات دینی و فرهنگ مدون اسلام دارد از جمله هنرهای ارزشمند و با سابقه‌ای طولانی، به

خصوص در ایران و کشورهای اسلامی در مقایسه با فرهنگ‌های اروپایی و غربی، است. در این فصل جلدسازی و انواع آن در کنار معرفی انواع قطع‌های رایج کتاب در تاریخ اسلام، عناصر و اجزاء تشکیل‌دهنده یک جلد، ابزارها، مواد و انواع متنوع جلد در فرهنگ‌ها به همراه بیان تاریخچه‌ای از این هنر اصیل و ارزشمند و توجه به آن در اسلام آمده است.

در فصل انتهایی، یعنی فصل نهم کتاب به مجموعه‌ای از سایر هنرها و صنایع دستی پرداخته شده است. در این فصل هنر جواهرسازی و زیورآلات، هنرها و صنایع چرمی، حجاری، عاج و استخوان، عروسک‌سازی و هنرهای وابسته به دریا و مصنوعات آن مورد توجه قرار گرفته است. منظور از هنرهای صناعی چرمی محصولات تزئینی و کاربردی است که مواد اولیه ساخت آنها پوست پاک شده و چرم دباغی شده است. انواع پوستین، نیم‌تنه، پالتو، کیف، کفش، کلاه، زین، انواع تابلو، نقاشی روی چرم، انواع پای‌پوش و پای‌بند مانند گیوه‌ها، چاروق، کف‌بند، آجیده و اُرسی در این گروه قرار دارند. منظور از چرم نیز پوست حیوانات و جانوران است که با مواد شیمیایی و اعمال فیزیکی از حالت ابتدایی خارج می‌شود و به صورت ثابت و فاسد نشدنی درمی‌آید. هنر حجاری نیز هنر کندن نقش بر سنگ و صنعت بریدن آن برای کاربرد در معماری و نیز هنر و صنعت ساختن اشیاء سنگی است. نخستین تجربه بشر در حجاری و سنگ‌تراشی در ابزارسازی بوده است. هم‌اکنون مشهد و قم مراکز مهم سنگتراشی‌اند. محصول عمده این حجاران دیگ‌های بزرگ و کوچک، سرقلیان، هاون، حوضچه‌های سنگی، شمعدان، سُرْمه‌دان، تَبْرزین، کاسه و بشقاب و قدح، گلدان، قلمدان و زیرسیگاری است. در آناتولی نیز ساخت دیگ‌های سنگی معمول است. این فصل از کتاب با معرفی هنرهایی چون هنرهای صناعی دریایی و عروسک‌سازی به پایان می‌رسد.

افتخار دارد از سوی تمامی تیم پژوهشی و نویسندگان این کتاب سپاس خود را تقدیم داریم بر سازمان محترم «سمت» به عنوان مهم‌ترین نهاد پژوهشی معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و گروه‌های تاریخ و تمدن ملل اسلامی و هنر سازمان برای همکاری در تدوین و انتشار این مجموعه. امیدواریم دستاوردهای پژوهشی و نتایج تحقیقات و تجربیات علمی تیم نویسندگان برای آشنایی هرچه بیشتر تمامی علاقه‌مندان، محققان و دانشجویان رشته‌های هنری و هنرهای صناعی سودمند افتد و در محیط‌های دانشگاهی مورد استفاده قرار گیرد.

عبدالکریم عطارزاده

مهران هوشیار